

بهبانه ساختمان پلاسکو

<حيله جو رابهانه بسيار است>

اميرفيض- حقوقدان

آتش سوزي ساختمان پلاسکو بهبانه اي شد براي اينکه اميد دانا **بار ديگر** بر خر مُراد خود که اهانت و اتهام و تخريب شخصيت اعتباري اعليحضرت است هجوم ببرد.

اميد دانا دربرنامه اخيرخود چند بار اعليحضرت را با عنوان «رضاپهلوي» دروغگو خواند؛ آنهم با لفظ و بياني که واجد يقين او بوده است.

توقع ازکسي که بنظراميد دانا دروغگو وي شرافت است ودرهمين برنامه هم اعليحضرت را خميني دوم وبسيارخطرناک دانست وباز ايشان را کسي دانست که چاره اي جزکوبيدن سرش به ديوار ندارد براي همدردی نسبت به بازماندگان ويا آسيب ديگان چه معنای دارد؟



شخص فاسد، دروغگو بي شرافت صلاحيت حضور در مراسم درگذشت ويا مشارکت درتسليت بازماندگان راندارد؛ و جامعه پذيراي اين چنين مشارکتی نيست، معمولاً دوستان وبستگان متوفی در مراسم وتسليت

شرکت میکنند و اصل این است که آدم های بی شرف و دروغگو و امثال آنها از دوستان و آشنایان و دلبندان متوفی محسوب نمیشوند.

از دید گاه امید دانا و جمیع منکران اعلیحضرت، یک فرد ایرانی است با صفاتی از قبیل بی شرافت دروغگو – مخالفت باملی گرائی، دشمن موجودیت ایران و اخیرا هم «او خمینی دوم» است که بسیار خطرناک است و بیچاره ای است که جز کوبیدن سرش به دیوار چاره ای ندارد.

این چنین شخصی چه لزومی دارد ویا نیازی هست که امید دانا میگوید ۲۰ ساعت تاخیر داشته که بیانیه بدهد! این بدان معناست که بیانیه چنان شخصی که امید دانا از او ترسیم کرده آنقدر مهم است که ۲۰ ساعت ترصد و هشیاری و وقت امید دانا را صرف کرده است. درست همانند شکارچی که برای شکار خاصی روزها در کومه شکار خود را مخفی و تحمل زحمت میکند. اصلا چه ضرورتی داشته که امید دانا ۲۰ ساعت منتظر اقدام ایشان باشد! مگر یک فرد عادی مثلا بنده نیازی ویا تکلیفی داشته ویا دارم که بیانیه دلجوئی و امثال آن بدهم؟ مگر هیچ ایرانی انتظار و توقعی دارد که بنده نوعی بیانیه ای برای جریان ساختمان پلاسکو بدهد که امید دانا ۲۰ ساعت کمین بیانیه «رضایپهلوی» را کرده است؟

از ابتدای تابستان امسال تاکنون بسیاری آتش سوزی در ایران رویداده که به حکایت گزارش ها از جمله است **برج ۲۲ طبقه طابوس در بندرپهلوی و مشهد - پتروشیمی بوعلی - سیتی سنتر اصفهان - انبار غلات تهران - شهرک صنعتی پرند - میدان تاریخی همدان - طاقستان کرمانشاه...** آیا برای این آتش سوزی ها که با تعدادی تلفات و مصدوم همراه بود اعلیحضرت بیانیه ای دادند که در مورد اخیر کوتاهی تلقی بشود؟

چرا باید یک فردی که تا چند روز قبل نماد ملت ایران بود و همین امید دانا خود را عاشق ایشان معرفی میکرد یک دفعه بشود خمینی دوم و بسیار خطرناک؟

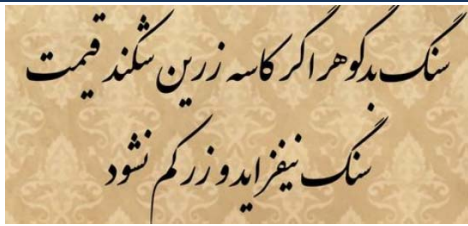
کلکسیون فحاشی و اتهامات

اجازه فرمائید کلکسیون تازه ای از فحاشی ها و اتهامات امید دانا و دیگران رانسبت به اعلیحضرت یاد آور شویم که از ملکه فکری ایرانیان بدور نیفتند ویا از تکمیل آن بی اطلاع نمانند:

دشمن موجودیت ایران - دشمنی باملت ایران - مرگ برشاه - بیکاره - شارلاتان - احمق - کوتاه بین - بی سواد - پول پرست - خائن - بی شرف - بی ابرو - مفتضح - پشه - عروسک - حقه باز - غیرقابل اعتماد و اضافه شده است دروغگو - خمینی دوم - کسی که چاره ای جز کوبیدن سر خود را به دیوار ندارد - اندیشه های رضا پهلوی گند است - نالایق بدجنس - درود بر مردمی که در فیس بوک به رضایپهلوی توهین میکنند

واقعا چرا؟

چرا باید وقتی کسی تنها بایکی از اتهامات بالا از شخصیت و اعتبار منتزع میگردد و بقول معروف سکه یک پول میشود در مورد اعلیحضرت همچنان این اتهامات و فحاشی ها پایان ندارد؟! از بیت سعدی پاسخ آنرا دریابیم:



سابقه امر

درسالهای قبل همین موجی که امروز بوسیله امید دانا و شهرام همایون و سعید شمیرانی و مسعود صدر و تعدادی دیگر در جهت تعرض به سلطنت جریان دارد، بوجود آمده بود و افرادی مانند دریادار امیر هوشنگ آریانپور و سرلشگرکیا، سرهنگ عقیلی پور... پرچمدار آن بودند که روزنامه ایرانیان و نشریه نیما بلند گوی فعالیت آنها بود.

فعالیت آنها مصادف بود با این خبر رویترز که اعلام کرد: <جمهوری اسلامی به تمام روزنامه نگاران ایرانی دستور داده تا از بکار بردن عنوان شاه بدنبال نام محمد ظاهر شاه خودداری شود و حتی الامکان از وی نام برده نشود و در صورت لزوم فقط محمد ظاهر نوشته شود نه حتی پادشاه سابق>.

روزنامه عصر امروز سرمقاله ای تحت عنوان اینکه جمهوری اسلامی از کلمه شاه وحشت دارد بقلم آقای قاضی سعید به استناد خبر رویترز انتشار داد.

ناگفته پیداست که نگرانی و وحشت جمهوری اسلامی از بازگشت احتمالی سلطنت به افغانستان میتواندست فراهم شدن زمینه برای بازگشت سلطنت به ایران باشد. ضرب المثل چوب راکه بلند کنی گریه دزده میفهمد؛ است.



در همین موقع بود که تیمی از ایرانیان که برخی از افراد آن تیم نام برده شد و بقیه در تحریرات (پشت جبهه سلطنت گروگان) بیان شده وارد معرکه شدند و درست همانند امروز اتهاماتی وسیع ولی نه در حد اتهامات امید دانا و افراد تیم او متوجه اعلیحضرت کردند. عجیب اینکه اتهاماتی که آنها بنمایندگی دریادار آریانپور متوجه اعلیحضرت کردند و در ۱۰ ردیف در رساله رباتهای تیر انداز که در بیستم اسفند ماه سال ۱۳۸۰ از انتشارات سنگر ذکر شده همپایه وهم مفهوم اتهاماتی است که همین تیم امید دانا و نامه هشدار و تبعات آن متوجه اعلیحضرت ساخته است.

در آن رساله در زیر ادعای نامه دریادار آریانپور جمله ای نوشته شده که عینا به اینجا آورده میشود؛ که برداشتی از تقارن و هماهنگی هدف تیم دریادار آریانپور و تیم امید دانا است.

خطاب به آریانپور

خوب شخصی باین موقعیت (مقصود اتهامات ۱۰ گانه است) چرا باید هدف تیراندازی دریا دار امیر هوشنگ آریانپور نوه نایب حسین کاشی قرارگیرد؟ آیا شنیده اید که کسی گنجشک رابا گلوله توپ هدف نمیگیرد؟ رضاپهلوی با این خصوصیتی که شما از ایشان در آن لایحه ذکر کرده اید حتی از بنده نوعی هم حقیرتر است چرا از بین این میلیون ها ایرانی تنها ایشان هدف تیراندازی رباتها قرار گرفته است؟

پاسخ این چراها راباید در موقعیت اجتماعی و تاریخی و سیاسی اعلیحضرت رضاشاه دوم دانست که یگانه قدرت محبوب و مقبول مردم ایران است امید هابسوی اوست ، شخصیت اجتماعی و سیاسی او مورد تأیید همگان است و تنها آلترناتیو مبارزه برای رهائی ایران است و از همه مهمتر متصدی و نماد رژیم است که ۲۵۰۰ سال قدمت تاریخی و فرهنگی دارد و مشروعیت او اظهر من الشمس است/

. (همان رساله صفحه دوم و سوم)

مفهوم همان عبارت بالا را در این تحریر در توجیه به امید دانا ملاحظه مینمائید

یک فرصت استثنائی لازم است تا موارد ۱۰ گانه لایحه دیدار آریانپور و یاران او که بعنوان ربات های تیرانداز معرفی شده با اظهارات و ادعاهای امید دانا مقابله شود تا خوانندگان دریابند که هدف از هر دو برنامه تحقق خواست جمهوری اسلامی یعنی قطع تداوم سلطنت ایران و پایان آن بوسیله افرادی است که در لباس سلطنت طلبی بصورت **ربات ها** عمل میکنند.

آشنائی مختصر و مفید

***** نداشتن طرفدار**

اول اینکه همانطور که امید دانا در برنامه اخیر رودست مدعی شد که اعلیحضرت هیچ طرفداری ندارد و هر که هم هست آدم های هجو و متجاوز میباشند و حتی یک آدم فهمیده ندارد، همانطور هم در بیانیه رباتهای تیزانداز در بند دوم آمده که رضا پهلوی هیچگونه محبوبیتی ندارد و اگر یک درصدی هم طرفدار برایش قائل شویم آنها هم طرفداران قلبی هستند.

سلطنت طلبان لیمن

امید دانا در برنامه رودست مورد نقد، **سلطنت طلبان را لیمن خوانده** به بیان اعلیحضرت <حد اقل سلطنت طلبان خارج از کشور یک میلیون و دویست هزار نفر هستند>

واقعا بی معرفتی و دور از شان انسانی است که یک الف بچه بنام امید دانا در حمایت شهرام همایون و مسعود صدر آنقدر متجری به حقوق سلطنت طلبان باشد که صفت لیمن را در مورد آنها بکار برد.

لپمن در فرهنگ علوم سياسي به طبقه ای از افراد اطلاق میشود که بکارهای ناشایست و ضد انسانی تن میدهند دزدان – چاقوکشان حرفه ای – اوباش وولگردان – روسپیان وجنایتکاران باجگیر را شامل میشود.

(تعریف لپمن از فرهنگ علوم سياسي علی بابائی نشر ویس سال ۱۳۶۶)

آقا وخانم سلطنت طلب متوجه هستید که ازسوی باند امید دانا درکجا قرار گرفته اید؟ اعتراض کن.

درمقام اتهام، مهرخاموشی برلب زدن تیغ رازیرسپر درجنگ پنهان کردن است

شما سلطنت طلبان درکناراعلیحضرت دردامی قرار گرفته اید که ازملات بی وجدانی و بی ناموسی تدارک شده است، نمیتوانید منتظرعکس العمل وجدان آن متجاوین به حقوق سياسي وانسانی خودتان بشوید زیرا عکس العمل وجدان شرم است و در آنهاعامل شرم مفقود است.

بی حیا کی میکند احساس شرم شرم انسان از مخزن وجدان بود

صلاحیت فرزندان اعلیحضرت

مورد دیگر، یکی از دلایل اصرار دریادار به قطع تدوام سلطنت به این مناسبت است که فرزندان اعلیحضرت درخارج از ایران متولد شده اند و این موضوعی است که بطور غیرمستقیم ازسوی امید دانا در همین برنامه رودست هم مطرح شد و اکنون آنرا در همین تحریر ملاحظه خواهید کرد.

ادعای بسوادگی

مورد دیگر، هردو یعنی هم تیم امید دانا و هم دریادار آریانیپور رضاپهلوی را بی سواد میدانند. اما بطور مشخص آن بی حیائی ها که مورد عمل امید دانا ست درلوايح دریادار آریانیپور دیده نمیشود کما اینکه در نوشتجات جمهوری اسلامی ومجاهدین خلق هم هرگز مشاهده نشده است.

اهانت ها معلوم، خواسته ها مجهول

علی الاصول هرکس نامه ای مینویسد، انتقادی میکند، استیضاحی مینماید یک هدف معین ومشخص در همان نامه واقداماتش معلوم است که هرکس نامه و یا آن انتقادات را بشنود هدف از آنها را هم تشخیص میدهد ولی نه درفعالیت های تیم ربات های موصوف ونه درتیم امید دانا با آنکه رشته اتهامات وفحاشی ها وتحقیر ها کاملاً مشخص ومتوجه شخص اعلیحضرت است اما نمیتوان فهمید که حضرات چه درخواستی دارند بهمین دلیل است که هدف آنها فقط وفقط تضييع اعتبار و حقوق سلطنت است که از عوامل لازم برای قطع تدوام سلطنت بنظر آنها لازم است ومنتفعین آن درصدر همه طرح هنری پرشت دائر به قطع تدوام سلطنت ودرمرحله بعد جمهوری اسلامی ومجاهدین خلق اند.

در تحریرات سی شماره ای مربوط به نامه هشدار و پیامد های آن مکرر از منکران حقیقت و انصاف درخواست شد که هدف آنها از این اتهامات و فحاشی ها به اعلیحضرت چیست؟ هیچیک حاضر به پاسخی نشد چراکه، بیان هدف نهانی و مخفی که همان بی اعتبار کردن سلطنت است، چیزی نیست که قابل اعلام باشد.

بهانه هلاکت

بهانه جو، از هر چه بتواند بعنوان بهانه استفاده میکند، این بار آقای امید دانا استفاده از واژه هلاکت را در بیانیه ای متناسب به اعلیحضرت بهانه کرده است، اما برداشت و استفاده ایشان از این بهانه شنیدنی است و مصداق گم کردن سوراخ دعاست.

میگوید هلاکت بار منفی برای دشمنان است که کشته میشوند، وقتی رضاپهلوی از واژه هلاکت استفاده میکند توهین است و علت آن این است که فارسی بلد نیست و اگر در خانه با فرزندان فارسی صحبت میکرد میدانست که هلاکت چه معنایی دارد، و اضافه کرده که فرزندان رضاپهلوی حتی کلمه درود را هم به فارسی نمیدانند.

بسطی به این بیهوده گویی لازم نیست ارائه گردد، تسلط اعلیحضرت به فارسی و زبانهای خارجی مورد تائید دوست و دشمن است و از آن مهمتر چه دلیلی هست که بیانیه نوشته اعلیحضرت است، ادعای اینکه امضای اعلیحضرت را دارد هم درست نیست، زیرا اولاً امضا نیست و نام است و فرق آن دو معلوم است و دوم اینکه کارهای اینترنتی با اشکالاتی مواجه است که اصالت آنرا همواره زیر سوال میبرد. و از همه آنها گذشته امید دانا چه دلیل قاطعی دارد که فرزندان اعلیحضرت کلمه درود را هم به فارسی بلد نیستند. در همین مصاحبه گفته است <که رضاپهلوی اجازه مصاحبه با فرزندانشان را به خبرنگاران فارسی زبان نمیدهند> آیا این دلیل شد که امید دانا به اتکای آن این حمله نامساعد و ناجوانمردانه رادرمورد فرزندان اعلیحضرت بکارگیرد؟ اگر پدری اجازه ندهد که هر آدم بی سروپا و متقلبی با فرزندانش معاشرت و یا مصاحبه کند دلیل بر فقر و نقصان عقلی و یاسلامی فرزندان است؟؟

علت این تهاجم چیست

علت این تهاجم خاص و حساب شده به فرزندان اعلیحضرت **مسئله ولیعهدی و الاحضرت نور است که اخیراً** مورد بحث و نقد قرار گرفته و سوالاتی درباره تابعیت ایشان (والاحضرت نور) مطرح شده است و شخصی مدعی شده که ایشان فاقد تابعیت ایرانی است و نمیتواند در موقعبت ولیعهدی قرار گیرد همانطور که عرض شد موضوع تابعیت فرزندان اعلیحضرت برای اولین بار از سوی رباتها (آریانپور) مطرح شد و اکنون امید دانا همان برنامه را با وصل کردن به ادعای فارسی ندانستن و الاحضرت نور آنهم در حد اینکه و الاحضرت نور اصلاً فارسی را در حداقل کلمه درود هم نمیداند میخورد قطع تداوم سلطنت را کوبیده باشد و در مجموع میشود:

سلطنتی که متصدی آن خانن، دشمن موجودیت ایران و ملت - دروغگو - بی شرافت است و بهمین دلایل از سلطنت حذف شده است ولیعهد او هم که فارسی بلد نیست و در خارجه متولد شده، پس انتقال سلطنت به او هم منتفی است.

عقيده دارم كه همه اين تلاشهاي مذبوحانه فقط و فقط در راستاي همين ختم تداوم سلطنت است كه بصورت ماموريت اصلي مطرح ميباشد.

فرق بين مبارزه سياسي با كار ادبي

در مبارزه سياسي آنچه گفته ميشود در مفهوم تجلي هدف است، ولي در كار ادبي آنچه ملحوظ نظر است رعايت دستور زبان و ارتباط واژه ها با مفاهيم است، همه مكالمات روزمره ما بمنظور مشخص ساختن هدف و خواسته است و در اين مورد، كلام به همچوجه خود را مقيد به رعايت اصول و دستورات زبان و يا املاي واژه ها نميداند و بطور طبيعي وحتى بدون اراده به واژه هائي متوسل ميشود كه هدف، احساس نياز به آن را کرده است به همين دليل است كه مي بينيم در بعضي تحريرات و يا توضيحات لازم ميشود كه يك عبارت با واژه هاي متفاوت بكار گرفته ميشود اين بدان سبب است كه نويسنده و يا گوينده از واژه هائي كه استفاده کرده چندان راضي نيست و مایل است در آن تجديد نظر بشود.

اينكه در كار سياسي كسي نقطه به خشخاش بگذارد و بخواهد معلم زبان فارسي و ديكتة و انشاء بشود كار معقولي نيست فقط ميتواند وسيله اي باشد كه طرف را از مشخص ساختن هدف، موقتاً رها سازد كاري كه نسخه عمل اميد دانا و رودست مسخره اوست.